

## گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه واجب زوجه در مذاهب خمس

نسرین اسدیگی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از حقوق زوجه در نظام حقوقی اسلام، حق نفقه است که به دلیل تصریح نصوص، مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی است؛ اما اینکه مصادیق نفقه کدام است و مقدار آن چگونه محاسبه می‌شود یا ملاک در تعیین نفقه واجب زوجه چیست؟ بین فقهای مذاهب خمس اختلاف است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظرات فقهای مذاهب خمس در مصادیق نفقه، مقدار و ملاک تعیین آن، در عین تفاوت، از قلمت به کثرت گرویده است. نظر فقهای متقدم امامیه و همچنین فقهای اهل تسنن انحصار مصادیق نفقه به موارد ذکر شده در روایات است؛ در حالی که فقهای متأخر امامیه تأمین همه نیازمندی‌های زوجه را بر زوج واجب می‌دانند. فقهای امامیه به جز شیخ طوسی، مقدار نفقه واجب زوجه را به عرف واگذار کرده‌اند؛ ولی فقهای اهل تسنن برای نفقه واجب زوجه مقدار تعیین کرده‌اند. همچنین درباره ملاک تعیین نفقه واجب زوجه، بیشتر فقهای امامیه (به ویژه متأخران)، شأن متعارف زوجه را ملاک دانسته‌اند و فقهای اهل تسنن تمکن زوج را ملاک قرار داده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** نفقه، گستره، مقدار، ملاک، زوجه، مذاهب خمس.

## تبیین مسئله

در فقه اسلامی برای زوجه بر عهده زوج، تکالیف واجبی قرار داده شده است که یکی از آن‌ها نفقه است. این حکم در آیات و روایات صراحتاً بیان شده است و لذا فقهای مذاهب خمس در اصل پرداخت نفقه واجب زوجه اتفاق نظر دارند؛ اما در بحث کمیّت و کیفیت نفقه زوجه، در شرع مقدس مقدار و ملاک معینی معرفی نشده است و به همین دلیل، میان فقهای مذاهب خمس برای تشخیص نفقه و مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد. فقهای امامیه غالباً به مقتضای شرایط زوجه در زمان‌های گوناگون، سعی در تبیین ملاکات در ادله نموده‌اند و تأمین همه نیازهای زوجه را بر عهده زوج گذاشته و به محدودیت خاصی قائل نیستند؛ در حالی که بیشتر فقهای اهل تسنن حقّ مالی و مصادیق واجب نفقه را محدود به موارد ذکر شده در روایات می‌دانند. آگاهی از حقّ نفقه واجب زوجه امری است که باید مورد توجه زوج قرار گیرد و ضرورت دارد زوج بداند که این مسئله بعد از عقد و ازدواج و حضور زوجه در خانه او مطرح می‌شود و اگر مورد سهل انگاری واقع شود، چه بسا باعث تزلزل بنیان خانواده گردد. این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه واجب زوجه از دیدگاه مذاهب خمس چیست؟ ادله آن کدام است و چه نقدهایی به آن وارد است؟

## پیشینه تحقیق

در زمینه این موضوع، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما در برخی پژوهش‌ها اشاره‌هایی صورت گرفته است که از جمله پایان‌نامه آقای حسن شاهعلی، با عنوان «احکام و آثار پرداخت نفقه زوجه در مذاهب خمس» است. در این اثر، احکام و آثار نفقه زوجه در مذاهب خمس، بررسی و جهات اشتراک و افتراق نظرات فقها بیان شده است و در این میان به مصادیق، ملاک تعیین و مقدار نفقه از دیدگاه فقها هم اشاره‌ای گردیده است. اثر مرتبط دیگر از آقای اختر اولاده تل خسروی با عنوان «مقایسه حقوق مالی زوجه در مذاهب خمس» می‌باشد. در این نوشتار، حقوق مالی زوجه در خانواده، از جمله مهریه، نفقه، ارث و غیره بررسی و تا حدودی به بحث نفقه هم پرداخته شده است. بنابراین، مقاله حاضر با روش توصیفی و تا حدودی تحلیلی درصدد جبران خلأ پژوهشی موجود است و با توجه به اهمیت تأمین نفقه واجب زوجه در استحکام زندگی و نیز گستردگی نیازمندی‌های زوجه، به

بررسی تفکیکی مصادیق نفقه واجب زوجه و مقدار و ملاک تعیین آن در مذاهب خمسہ پرداخته است.

## ۱. مفهوم نفقه

نفقه در لغت، در زبان فارسی و عربی با معنای تقریباً مشابهی به کار می‌رود و حتی بدون تغییر، در فرهنگ حقوقی ایران نیز به کار رفته است: «نفقه مالی است که انسان برای خود و عیالش خرج می‌کند» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۳؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۶۶۹۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۷۷). به طور کلی، ریشه «ن ف ق» در دو معنا به کار برده می‌شود: ۱. خروج، رفتن و هلاک شدن؛ ۲. مخفی کردن و اغماض شیء (ابن زکریا، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۵۴). منظور این نوشتار، معنای اول نفقه است؛ زیرا به واسطه نفقه مبالغی از اموال زوج خارج گردیده و به زن اعطا می‌شود. در فقه امامیه، نفقه عبارت است از: «تأمین هزینه زندگی کسی، آن گونه که عادتاً به آن نیازمند است؛ اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازمندی‌های زندگی» (کاسانی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۴۱۷؛ عبدالرحمن، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ فیض، ۱۳۸۲، ص ۳۹۰).

## ۲. انواع نفقه واجب

نوع اول: نفقه زوجه: انفاقی که زوج باید به زوجه خود بپردازد؛ چه زوجه ثروتمند باشد چه فقیر. نوع دوم: نفقه اقارب: انفاقی واجب که در صورت نیازمندی والدین و فرزندان باید پرداخته شود (ابن نجیم، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۶۴؛ مشکینی، بی‌تا، ص ۵۴۴).

## ۳. گستره نفقه واجب زوجه

یکی از مسائل مهم در بررسی نفقه واجب زوجه، تعیین اجناس و مقدار و ملاک آن است؛ به این معنا که چه چیزهایی جزء نفقه است؛ مقدار آن چقدر است؛ و ملاک در تعیین نفقه چیست؟ این موضوع در بین فقهای خاصه و عامه محل بحث است که بخشی از این امور (مثل خوراک، پوشاک و مسکن) محل وفاق بوده و بخشی دیگر اختلافی است. از نظر شارع، موضوع نفقه در امور خاصی منحصر نیست و آنچه در ادله ذکر شده از باب مثال

است. در این قسمت به تفکیک به بررسی اشیائی که غالباً در منابع فقهی مذاهب خمس به آن توجه شده است، پرداخته می‌شود.

### ۳-۱. خوراک

#### ۳-۱-۱. خوراک و توابع آن از نظر فقهای امامیه

خوراک شامل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها می‌شود و علاوه بر غذا، خورش غذا را نیز در برمی‌گیرد. البته خورش با اختلاف فصول متفاوت می‌شود. میوه نیز متناسب با فصل‌های سال واجب می‌شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۵۶؛ زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۷۹۸).

#### -کم و کیف خوراک

غذا باید به مقداری باشد که زوجه سیر شود و از نظر کمیت و کیفیت، به شئون زوجه و عرف بستگی دارد و متناسب با زمان و مکان است. همچنین زوج می‌تواند غذا و توابع آن را به صورت آماده یا خام در اختیار زوجه قرار دهد.

شهید اول (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «مرجع در خوراک زوجه این است که رفع نیاز و گرسنگی او شود» (عاملی، ۱۴۰۶، ص ۲۰۴).

صاحب جواهر (ره) درباره خورش چنین می‌نویسد:

بحث در خورش در جنس و کیفیت و مقدار آن همچون دادن غذا می‌باشد؛ زیرا مدرک این دو یکسان است، لیکن در مبسوط آمده است که: بر زوج است هر هفته یک بار گوشت تهیه نماید؛ زیرا این مقدار متعارف می‌باشد و در روز جمعه بدهد. و از آبی علی نقل گردیده: به طور متوسط برای زوجه هر سه روز یک مرتبه گوشت فراهم نماید و شایسته‌تر از آن در اطعام گوشت رجوع به متعارف در نزد هم ردیف آن زوجه می‌باشد. بنابراین، حق زوجه این است که خورش و غذا را از شوهر دریافت نماید، گرچه نخورد و زوجه با دریافت نمودن مالک آن‌ها می‌شود. پس می‌تواند هر گونه که بخواهد در آن تصرف کند (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۳۱، ص ۳۳۳-۳۳۴).

اگر مواد خوراکی به صورت خام و آماده نشده در اختیار زوجه قرار داده شود، تهیه وسایل طبخ و

ادوات و ابزار آشپزی متناسب و متعارف برعهده زوج است (خویی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۳).

این وسایل جزء اثاث البیت است که بر اساس شرایط زمان و مکان زوجه متفاوت می باشد و امروزه بر تعداد و کیفیت آن ها افزوده شده است. امام خمینی (ره) درباره مقدار غذای زوجه فرموده اند: «اما کمیت غذای زوجه به مقداری است که برای سیر نمودن وی کافی باشد» (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص ۳۱۵).

### ۳-۱-۲. خوراک و توابع آن از نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت نظرشان بر این است که: زوج باید خوراک و نوشیدنی و خورش و آنچه که تابع آن است از آب، سرکه، زیتون، هیزم، سوخت و مانند آن ها را برای زوجه تهیه نماید؛ ولی تهیه میوه واجب نیست (کاسانی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۲۳؛ سیواسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۲۱؛ حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۷۹؛ ابن رشد قرطبی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۶۱). جمهور فقهای اهل سنت به جز شافعیه معتقدند: که مقدار طعام به قدر کفایت زوجه تعیین می شود (ابن قدامه، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۳۱).

مشکلی که در نظر جمهور فقهای اهل سنت درباره نفقه خوراک زوجه دیده می شود، این است که طعامی که به قدر کفایت زوجه است چه اندازه است؟ چه مرجعی مقدار آن را تعیین می کند؟ و مگر نه این است که طعام یک زوجه در قیاس با زوجه دیگر متغیر است و ممکن است کم یا زیاد باشد؛ لذا این قول از این نظر با چالش جدی رو به رو می شود.

شافعیه در مقابل جمهور فقهای اهل سنت قائل اند که نفقه طعام از حبوبات، به مقدار معینی بر اساس توانگری یا فقر زوج تعیین می شود؛ زیرا کمترین چیزی که در کفاره به یک نفر پرداخت می شود، یک مد از حبوبات است و خداوند سبحان کفاره را با نفقه بر خویشان سنجیده است؛ آنجایی که می فرماید: «مَنْ أَوْسَطَ مَا تَطْعُمُونَ أَهْلِيكُمْ؛ از غذاهای متوسطی که به خانواده خویش می خورانید» (مائده: ۸۹). شافعیه دلیل آورده اند که هر یک از کفاره و نفقه، مالی است که به واسطه قانون شرع واجب شده و بر ذمه مستقر می شود. بنابراین، چنانچه زوج ثروتمند باشد، باید برای هر روز دو مد طعام بپردازد و اگر فقیر باشد، یک مد و اگر از افراد متوسط جامعه باشد، باید یک مد و نیم طعام بپردازد و برای این تفصیل خویش به آیه ۷ سوره طلاق «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ؛ هر کس که دارای وسعت (مالی) است، باید طبق وسعت خود نفقه دهد» استناد نموده اند (ابن قدامه، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۳۲).

## ۲-۳. پوشاک

### ۱-۲-۳. پوشاک از نظر فقهای امامیه

پوشاک عبارت است از: پیراهن، شلوار، کفش، جوراب و هر آنچه که انسان می‌پوشد. آنچه از ادله و منابع فقهی استفاده می‌شود، تهیه پوشاک زوجه، به عنوان نفقه، بر زوج واجب است. بیشتر فقهای امامی در جنس لباس، عرف و عادت را ملاک قرار داده‌اند؛ به طوری که اگر زوجه اهل تجمل باشد یا عادت مردم، پوشیدن این لباس‌ها است، بر زوج تهیه لباس‌های تجملی واجب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۴؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۶۳-۵۶۸؛ امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۰۴).

نکته: مطابق با آیه «أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ: زن در حلیه و زینت، نشو و نمو می‌کند» (زخرف: ۱۸)، مقداری از تجمل جزء ذات و زندگی زنان است؛ بنابراین، فرقی بین زنان اهل تجمل و غیر آن‌ها نیست و به حسب اختلاف مراتب، نوع زنان دارای لباس زینتی برای مجالس مهمانی هستند؛ پس تخصص لباس مجلس به عده‌ای خاص منتفی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۴۵). البته در نقد این نظر می‌توان گفت: اگر تجمل در خرید لباس زنان به تبرج که وصفی مذموم از زنان عرب جاهلی است، میل نماید، مورد نهی شارع مقدس واقع شده است و باید از آن دوری کرد؛ از این رو، اگر بحث تجمل به معنای تهیه لباس متعارف زن و آراستگی‌اش معنا شود، با مبانی شرعی منافاتی نخواهد داشت.

### -کم و کیف پوشاک

آنچه که بر مقدار، جنس و تعداد لباس مؤثر است، آب و هوای مکانی است که زوجه در آن زندگی می‌کند و تغییرات فصول سال، شئونات زوجه و عرف امثال وی، نقش تعیین‌کننده دارد (کیائی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۶۴؛ محقق حلی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۴۹).

### ۲-۲-۳. پوشاک از نظر فقهای عامه

فقهای عامه به اتفاق قائل به وجوب تهیه پوشاک توسط زوج هستند (ابن قدامه، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۲۳۵). بسیاری از فقهای شافعی، حنبلی و مالکی معتقدند اگر زوج و زوجه هر دو توانگر باشند،

زوج لباس‌های متناسب با قشر توانگران را باید تهیه کند و اگر هر دو فقیر باشند، تهیه لباس‌هایی که امثال آنان می‌پوشند، لازم می‌شود و اگر هر دو از طبقه متوسط جامعه باشند یا زوج فقیر و زوجه توانگر، یا به عکس باشد، لباسی متناسب با طبقه متوسط جامعه باید تهیه شود (کاسانی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۱۵۳؛ ابن حزم، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۰۸).

مطابق قاعده در تهیه لباس زوجه، حدّ متعارف جامعه پذیرفته شده است؛ اگر در جامعه‌ای زنان به لحاظ برخورداری در حدّ نازل یا متوسط یا بالا قرار دارند، مردان هم در خرید لباس موظف به رعایت حدود مذکور هستند. به تعبیر دیگر، چون در شرع، روایات و اقوال فقها حدّی برای نفقه پوشاک مشخص نشده است؛ از این رو، در خرید آن باید به نوع و قیمت نازل یا متوسط یا بالای لباس زنان یک جامعه رجوع کرد.



### ۳-۳. مسکن

مسکن عبارت است از: مسکن ملکی یا استیجاری و یا استیجاری که با شئون و احتیاجات زوجه از هر لحاظ متناسب باشد. تمام فقهای مذاهب بر وجوب تهیه مسکن برای زوجه، با استناد به آیه «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ؛ آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید» (طلاق: ۶) و آیات دیگر، اتفاق نظر دارند. در این آیه خداوند به مردان امر می‌کند که زنانشان را سکونت دهند، در حدی که توانایی دارند.

#### ۳-۳-۱. مسکن از نظر فقهای امامیه

فقهای شیعه از نظر کیفیت محل سکونت و اوصاف منزل، آن را منوط به عرف و عادت امثال زوجه می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۲۰). آنچه در مسکن مورد اختلاف است، استقلال زوجه در سکونت، یا مشارکت او با دیگران است. نظر مشهور این است که زوجه حق دارد از زندگی مشترک با هوو یا خانواده شوهر و یا هر فرد دیگری، خودداری کند و این انتفاع که در مقام ایفای حق، صورت می‌گیرد، نشوز محسوب نمی‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۲؛ اصفهانی، ۱۳۵۲، ص ۷۶۵).

آنچه مبنای آرای این دسته از فقها در زمینه استقلال زوجه در اسکان قرار گرفته، بیشتر ناظر به

احتراز از مشاجره بین زن و شوهر، زن و خانواده شوهر و زن و هُوو است که در نهایت باعث سست شدن بنیاد خانواده می‌شود؛ اما اگر رابطه این اشخاص خوب باشد، از لحاظ شرعی این امر اشکالی ندارد، به استثنای هُوو که اجازه ازدواج با او طبق قانون به زوجه داده شده است و زوجه در صورت اطلاع از ازدواج شوهرش با زن دیگر، بدون اطلاع او می‌تواند درخواست طلاق کند.

در مقابل، برخی از فقها پس از اذعان به این حق برای زوجه معتقدند: چنانچه عرف، عادت و شئونات زوجه منافاتی با زندگی در خانه مشترک نداشته باشد، مثل زنان بادیه نشین، عشایر و غیره، زوجه حَقّ مطالبه خانه مستقل ندارد؛ مگر آنکه زندگی با دیگری مستلزم ضرر برای زوجه باشد که در این صورت، بر اساس «قاعده لاضرر» تأمین منزل مستقل برای زوجه لازم می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۹).

### ۳-۳-۲. مسکن از نظر فقهای عامّه

تأمین مسکن متناسب با وضعیت زن بر شوهر واجب است. این مسکن باید خالی از اهل و فرزندان شوهر باشد؛ مگر طفلی که معنای آمیزش را نمی‌فهمد. البته اگر زوجه راضی باشد، بحثی نیست. شوهر نمی‌تواند زوجه را مجبور به سکونت در مسکنی کند که هُوو در آن زندگی می‌کند، هر چند در اتاق مستقلی باشد؛ چون وجود هُوو موجب اذیت او می‌شود، اما اگر زن راضی شود که در اتاقی کنار هُوو ساکن شود، باید بین آن‌ها مساوات در سکونت رعایت شود (کاسانی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۴۵۸؛ سبّاعی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۱).

### ۳-۴. لوازم منزل

لوازم ضروری منزل بر دو قسم است: لوازمی که مربوط به پخت و پز و تهیه خوراک است، مانند ظروف و چراغ، و لوازمی که مربوط به سکونت و استفاده از منزل است، مانند فرش و لحاف (فرشتیان، ۱۳۷۱، ص ۶۲).

### ۳-۴-۲. لوازم منزل از نظر فقهای امامیه

گروهی از فقها با عنوان کلی «اثاث البیت»، وسایل منزل را لازم دانسته‌اند و برخی با اشاره به مصادیق آن، از قبیل فرش، لحاف و ظروف غذا، این موضوعات را ضروری دانسته‌اند (محقق حلی،



۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۴۹؛ شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۲۰۴؛ خویی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۳؛ امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۱۵).

### ۵-۴-۳. لوازم منزل از نظر فقهای عامّه

فقهای عامّه نیز به وجوب لوازم منزل معتقد هستند و درباره مقدار، جنس و وصف لوازم منزل به عرف و عادت امثال زوجه مراجعه می‌شود (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۵۸؛ خروفه، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲). در حال حاضر، در ایران از این اصل عدول می‌شود و تهیه اثاث البیت به عهده زوجه و خانواده زوجه است. البته در بعضی ازدواج‌ها به صورت توافقی خرید چند وسیله از وسایل منزل برعهده زوج است؛ اما نکته اینجاست که طبق آنچه در تعالیم شرع و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه معصومان و اقوال فقهای شیعه دیده می‌شود، خرید وسایل منزل به عهده زوج است، نه زوجه. مبنای این قول و فعل بر دو پایه استوار است:

۱. آنکه موظف به تهیه بیت است، طبیعتاً موظف به تهیه اثاث البیت هم است (یعنی مرد)؛ چون بیت بدون اثاث معنا ندارد و قابل سکونت نیست.

۲. اثاث البیت طبق نظر فقها، یکی از ارکان نفقه است و نفقه هم طبق نظر شارع برعهده مرد می‌باشد؛ پس نتیجه می‌گیریم که خرید اثاث البیت برعهده مرد است، نه زن.

### ۵-۳. خادم

#### ۱-۵-۳. خادم از نظر فقهای امامیه

درباره وجوب خدمتکار برای زوجه بین فقها دو قول وجود دارد:

قول اول: در صورتی که زوجه شأن و موقعیت خانوادگی و اجتماعی بالا داشته باشد (حلی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱؛ محقق حلی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۴۹؛ میرزای قمی، بی تا، ص ۴۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۶) و حتی اگر تعدد خدمه در شأن زوجه باشد، لازم است برای استخدام آن‌ها اقدام کند (امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۲).

نقد قول اول این است که شأن اجتماعی و اقتصادی زوجه پس از ازدواج با زوج و نقل مکان از خانه پدر به خانه شوهر ممکن است متغیر شود؛ زیرا در ازدواج‌ها کفو بودن از همه نظر لحاظ نمی‌شود؛ از این رو، گرفتن یا نگرفتن خدمتکار در خانه جدید زوجه، با توجه به تمکین و جایگاه اقتصادی و

اجتماعی شوهر، و نه پدر تعریف می‌شود.

قول دوم: در صورتی که زوجه بیمار بوده و به خدمتکار نیاز داشته باشد (میرزای قمی، بی‌تا، ص ۴۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۶).

در رد این قول هم می‌توان گفت: شوهر می‌تواند در صورت بیماری زوجه، او را به بیمارستانی در حد وسع خویش ببرد و مراحل معالجه وی تحت نظر پزشک و مراقبت پرستار (خادم) صورت گیرد. ممکن است آوردن خادم به خانه زمان بهبودی زوجه را طولانی گرداند و برای زوج هم مستلزم عسر و حرج باشد.

### ۲-۵-۳. خادم از نظر فقهای عامه

بیشتر فقهای عامه، وجوب خادم را شبیه وجوب نفقه خویشاوندان می‌دانند که در صورت استطاعت مالی مرد واجب می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۱۲۳؛ ابوزهره، ۱۹۹۸، ص ۲۳۹؛ مراغی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷)؛ ولی برخی از فقهای عامه وجوب استخدام خادم را مطلقاً تصریح کرده‌اند (صیحی محمصانی، ۱۹۵۹، ص ۲۰۲؛ احمد بن یحیی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۷۲؛ عابدین، ۱۳۶۶، ص ۶۹؛ بدران، ۱۹۶۱، ص ۱۸۸).

### ۶-۳. لوازم بهداشتی

#### ۱-۶-۳. لوازم بهداشتی از نظر فقهای امامیه

عبارات فقها درباره اجرت حمام، اختلافی است و گویای این است که در گذشته، استفاده از حمام‌های عمومی مختص قشر خاصی از افراد جامعه بوده است و افراد عادی، در منزل استحمام می‌کردند؛ پس هزینه تهیه لوازم استحمام، از قبیل صابون و غیره، تقریباً به اتفاق فقهای امامیه، جزء نفقه حساب می‌شود (شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۲۰۴؛ حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۳؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱، ص ۴۴۳)؛ ولی اجرت حمام از مسائل اختلافی است:

بعضی فقهای امامیه هزینه حمام را لازم ندانسته و فقط در موارد استثنایی، مثل سردی هوا واجب می‌دانند (شیخ بهایی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۸؛ علامه حلی، بی‌تا، ص ۶۶۳) اما برخی با صراحت هزینه حمام را مطلقاً واجب دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۱۶؛ خویی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۳).

با توجه به شرایط کنونی وضعیت حمام‌ها در منازل مسکونی به نظر می‌رسد هزینه استحمام به طور قطعی جزء نفقه است.

تهیه بوی خوش و وسایل زینتی از نظر برخی فقها، واجب (عاملی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۴۲۸) و از نظر گروهی دیگر غیر لازم است (حلی، بی تا، ص ۶۶۳). تهیه وسایل نظافت، مانند شانه، روغن، مسواک و غیره به اجماع علما بر زوج واجب است (زیدان، ۲۰۱۲، ج ۷، ص ۱۸۵) و امام خمینی (ره) نیز به این مسئله تصریح دارند (امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۱۵) و معتقدند در تهیه بوی خوش و وسایل زینتی، واگذاری به عرف امثال زوجه است.

تأکید فقها بر تهیه وسایل نظافت به واسطه آن است که این امور سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است و عمل به هر یک از سنت‌های نبوی، گذشته از تضمین سلامت جسمی و روحی، سبب خشنودی حق تعالی هم می‌شود.

### ۲-۶-۳. لوازم بهداشتی از نظر فقهای عامه

گروهی از فقهای عامه هزینه‌های نظافت و شست‌وشو، از قبیل صابون را واجب شمرده‌اند (قدری، ۱۴۳۵، ص ۳۰-۳۱؛ احمد بن یحیی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۷۲). فقهای مالکیه و حنابله، تهیه کردن آب کافی برای شست‌وشو، نظافت بدن، ظروف و لباس‌ها را لازم دانسته‌اند (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۵۷ و ۵۶۲). گروهی دیگر از فقهای عامه نیز بهای آب برای غسل واجب از جماع و نفاس را لازم دانسته؛ ولی برای غسل حیض و احتلام را لازم نمی‌دانند (دردیر، ۱۱۱۹، ج ۲، ص ۳۷۱) و برخی از فقهای عامه شرط کرده‌اند در صورتی که زوجه عادت به استحمام در حمام داشته باشد یا شأن و موقعیتش اقتضا کند، لازم است (ابن حجر، ۱۳۵۷، ج ۷، ص ۲۹۹).

ایرادی که بر بخش اول فتوای فقهای عامه وارد می‌باشد، این است که حیض و احتلام به واسطه آنکه در خانه زوج رخ می‌دهد، هزینه آب غسل زوجه هم برعهده زوج است. البته با عنایت به سیستم کنونی آب‌رسانی در شهرها و روستاها این فتوا در حال حاضر موضوعیت ندارد.

### ۷-۳. هزینه دارو و درمان

#### ۱-۷-۳. هزینه دارو و درمان از نظر فقهای امامیه

در مورد پرداخت هزینه درمان توسط زوج بین فقهای امامیه سه قول وجود دارد: قول اول: برخی از فقهای امامی قائل‌اند که هزینه درمان مطلقاً جزء نفقه است و پرداخت آن بر

زوج واجب است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۲۶؛ حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۹-۴۰)؛ عرف و سیره مسلمانان هم آن را تأیید نموده و آیه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» هم بر آن دلالت دارد.

استناد فقهای مذکور به آن است که حفظ جان طبق تعالیم شرع از واجبات است و از این رو، هر چیز که باعث آسیب و ضرر به جسم شود، شرعاً و عقلاً حرام است. بنابراین، امتناع زوج از پرداخت هزینه داروی زوجه از آن جهت که ممکن است باعث آسیب جسمانی به زوجه شود، حرام است و خرید دارو از ناحیه زوج واجب است.

قول دوم: تعداد اندکی قائل اند که هزینه درمان مطلقاً جزء نفقه نیست (حلی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۶۸).

این قول فقها حجیت شرعی ندارد و عقل هم پشتوانه آن نیست؛ زیرا برآورده نشدن احتیاجات زوج از ناحیه زوجه، یا زوجه از ناحیه زوج در حکم نوعی ظلم است و ظلم شرعاً و عقلاً حرام و قبیح است. قول سوم: برخی از فقهای امامیه به تفصیل قائل هستند: در صورتی که بیماری از قبیل بیماری های عادی باشد، هزینه درمان آن بر زوج واجب است و اگر بیماری خاص و صعب العلاج و پرهزینه باشد، جزء نفقه نخواهد بود (امام خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۱۷؛ اصفهانی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۶۹۸-۶۹۹)؛ زیرا ادله نفقه و نیز سیره مسلمانان از این افراد نادر منصرف است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۵۰).

بخش اخیر این قول محل تردید است؛ زیرا اگر زوجه دچار بیماری صعب العلاج باشد، برای زوج دو امکان وجود دارد:

۱. زوج متمول است و هزینه درمان زوجه را می پردازد.

۲. زوج متمول نیست؛ ولی با قرض هزینه درمان زوجه را می پردازد.

با عنایت به اینکه در صورت عدم پرداخت هزینه دارو و درمان زوجه از ناحیه زوج، طبیعتاً کسی دیگر اعم از پدر و مادر و یا برادر زوجه هم هزینه مذکور را نخواهند پرداخت و مستلزم عسر و حرج برای آن هاست و بیماری صعب العلاج هم خوف مرگ زوجه را در پی دارد؛ از این رو، در این موارد قرض گرفتن یا پیدا کردن راه های دیگر معقول تر است.

نتیجه اینکه در فقه شیعه اختلاف نظر وجود دارد؛ اما اگر داور عرف را در اجزای نفقه بپذیریم

و زوج را مکلف بدانیم که با زوجه به معروف و خوبی رفتار نماید: «و عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، باید بپذیریم که پرداخت هزینه‌های معالجه از هر نوع که باشد، جزء نفقه بوده و برعهده زوج است، به خصوص اینکه در خانواده‌ها، زنان بیش از تکالیف خود در زندگی زنشویی به کار مشغول بوده و مدیریت داخلی خانواده را معمولاً برعهده دارند و به این دلیل نیز حق اضافی بر ذمه زوج پیدا می‌کنند. اگر زن تمام توان خود را در داخل خانواده به کار گیرد تا زندگی سعادت‌مندی را برای شوهر و فرزندان خود فراهم کند، بدیهی است شوهر نیز مکلف به پرداخت همه هزینه‌های لازم برای معالجه بیماری و ادامه حیات همسر خود باشد و انکار آن برخلاف عقل سلیم است (ارشدی، ۱۳۷۹، ص ۳۹).

### ۲-۷-۳. هزینه دارو و درمان از نظر فقهای عامه

در بین علمای مذاهب اربعه نیز درباره وجوب هزینه درمان برعهده زوج اختلاف نظر وجود دارد؛ هر چند بیشتر آن‌ها به عدم وجوب قائل هستند:

#### الف. مذهب حنفی

علمای این مذهب قائل اند در هر حال هزینه درمان زوجه برعهده زوج نیست؛ چون معیار نفقه، هزینه زندگی سالم است، نه در حال بیماری (ابی داوود، ۱۴۲۵، ص ۱۰۸؛ شبلی، ۱۳۹۳، ص ۴۲۴). نقد این قول آن است که اگر زن قبل از ازدواج بیماری داشته که اصولاً عقد باطل است؛ اما اگر بیماری نداشته و در زندگی با مرد دچار بیماری شده، عقلاً و عرفاً هزینه دارو و درمان به عهده مرد است.

#### ب. مذهب مالکی

علمای این مذهب درباره هزینه درمان زوجه دو قول دارند: قول اول: پرداخت این هزینه‌ها بر زوج واجب نیست. قول دوم: پرداخت این هزینه‌ها بر زوج واجب است (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۵۸؛ ترمذی، ۱۴۲۵، ص ۳۲۰).

#### ج. مذهب حنبلی

علمای این مذهب قائل اند هزینه درمان زوجه برعهده زوج نیست؛ مگر در موردی که آن درمان به پیشنهاد زوج و برای زیبایی زوجه و برای رفع اکراه زوج از زوجه صورت بگیرد (جصاص، ۱۴۲۶، ص ۳۰۰؛ ابن بلبان، ۱۴۲۱، ص ۲۴۰).

#### د. مذهب شافعی

علمای این مذهب نیز قائل اند که مسئولیتی برعهده زوج نسبت به هزینه درمان وجود ندارد (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۶۶۶).

حکم مطلق در خصوص عدم مسئولیت زوج نسبت به هزینه‌های درمان زوجه محل اشکال است. از آنجا که بیماری‌ها دو دسته است: بیماری‌های عادی و بیماری‌های صعب‌العلاج؛ اگر زوج متمول باشد، هزینه دارو و درمان بیماری زوجه، اعم از عادی و صعب‌العلاج را با فراغ بال می‌پردازد و اگر هم متمول نباشد، با توجه به حکم شرع مبنی بر ضرردار بودن بیماری موظف است که از راه قرض نسبت به علاج بیماری‌های صعب‌العلاج زوجه اقدام کند.

#### ۴. ادله گستره نفقه واجب زوجه

##### ۴-۱. آیات

آیه اول:

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا؛ و روزی زنان و جامه آنان به نحو پسندیده به عهده صاحب فرزند است، هیچ کس جز به اندازه توانایی و طاقتش مکلف نمی‌شود» (بقره: ۲۳۳).

در این آیه «رزق»، که مفسران و فقها آن را به خوراک معنا کرده‌اند و «لباس»، حق زن و نفقه او بیان شده و قید معروف نیز در آن دو، مطرح شده است.

اشکال:

برخی گفته‌اند: از آنجا که این بخش آیه در بیان حکم زنان مطلقه آمده، چنانکه قبل از آن آمده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُبْرِئَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ؛ مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند. [این امر] برای کسی است که شیر دادن را تمام کند و روزی زنان و جامه آنان به نحو پسندیده به عهده پدر است»، این مطلب را بیان می‌کند که زنانی که طلاق داده شده‌اند، اگر بخواهند می‌توانند فرزند خود را به مدت دو سال کامل شیر دهند و در این زمان، نفقه آنان به عهده صاحب فرزند است. پس نفقه در این آیه، در مقابل شیر دادن مطرح شده

است؛ در حالی که نفقه همسر به سبب زوجیت واجب می‌شود (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳).  
اما بسیاری از مفسران و فقها برای آیه اطلاق قائل هستند و بر این اعتقادند که آیه، شامل نفقه همسر نیز می‌شود (همان).

آیه دوم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ أَي اهل ایمان! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت)، و بر آنان سخت‌گیری و بهانه‌جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آن‌ها کرده‌اید، به جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود. و در زندگانی به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید و چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت مکنید) چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید» (نساء: ۱۹).

زندگی با همسر به نحو پسندیده، شامل بحث نفقه نیز می‌شود. اطلاق آیه هر آنچه را که معروف باشد، در گستره نفقه و نیز اندازه و مقدار نفقه داخل می‌کند.

## ۲-۴. روایات

روایات مربوط به گستره نفقه را می‌توان در سه دسته جای داد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:  
دسته اول: در برخی از روایات، نفقه با عنوان احسان بیان شده است:

اسحاق بن عمار نقل می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: حق زن نسبت به همسرش چیست؛ آن حقی که اگر به جا آورد، احسان‌کننده خواهد بود؟ فرمود: او را سیر کند و بیوشاند و اگر نادانی و جهالت کرد، او را ببخشد. در این روایت، احسان آن است که مرد حقوق زن را به جا آورد».

دسته دوم: در برخی روایات، نفقه با عنوان حق زن بر همسر بیان شده است:

شهاب بن عبد ربّه نقل می‌کند: «به امام صادق علیه السلام گفتم: حق زن بر همسرش چیست؟ فرمود: گرسنگی او را برطرف کند و عربانی او را بیوشاند و روی بر او ترش نکند. اگر این را انجام دهد، به خدا قسم که حق او را ادا کرده است. گفتم: روغن [برای خوراک]؟ فرمود: یک روز در میان. گفتم:

گوشت؟ فرمود: در هر سه روز یک بار که در هر ماه ده بار می‌شود، نه بیشتر از آن. رنگ، هر شش ماه یک بار. و هر سال چهار لباس به او بپوشاند: دو لباس برای زمستان و دو لباس برای تابستان و سزاوار نیست که خانه او از سه چیز خالی باشد: روغن سر، سرکه و زیتون. و باید غذای آن‌ها را با مدّ اندازه بگیرد که من نیز با آن غذای خود را اندازه می‌گیرم و باید غذای هر نفر آن‌ها را حساب بکند. اگر آن شخص خواست، آن را می‌خورد و اگر خواست، می‌بخشد و اگر خواست، صدقه می‌دهد و باید میوه عمومی [میوه فصل] برای خانواده و عیال خود تهیه کند و باید از خوراندن غذای برتر به آنان در روز عید فروگذاری نکند، چنانکه به آن‌ها چیزی برسد که در دیگر، روزها ترسیده است.»

این روایت، خوراک را روغن، گوشت، سرکه، زیتون و میوه فصل برشمرده و لباس را، دو لباس برای زمستان و دو لباس برای تابستان یاد کرده است. امام علیه السلام در این روایت دو مورد دیگر را نیز یاد می‌کند: رنگ (هر شش ماه یک بار) و روغن سر که ظاهراً برای آرایش به سر می‌مالیده‌اند که این دو مورد، به روشنی از خوراک و پوشاک خارج است. امام علیه السلام در این روایت در مقام بیان مخارج متعارف در آن زمان بوده است و برخی از موارد را پس از استفسار و سؤال شخص راوی بیان می‌کند و ظاهراً حضرت در مقام حصر گستره نفقه حتی در زمان خود نیز نبوده است. این روایت، به روشنی می‌فهماند که شمول معنایی و عبارت (مرد باید گرسنگی همسرش را برطرف کند و عورت او را بپوشاند) بیش از معنای ابتدایی آن دو است. دسته سوم: در برخی از روایات نیز به ضابطه کلی اشاره می‌شود:

مرحوم کلینی با سند صحیح خود از محمد بن مسلم نقل می‌کند: «مردی به امام باقر علیه السلام گفت: من زمینی در سرزمین جبل دارم که هر سال سه هزار درهم از آن درآمد دارم. در هر سال، دوهزار درهم آن را خرج خانواده‌ام می‌کنم و هزار درهم آن را صدقه می‌دهم. امام فرمود: اگر دو هزار درهم، احتیاج یک سال آن‌ها را برآورده می‌کند، همانا تو در امر خود نظر کرده‌ای و در راه رشد خود توفیق یافته‌ای و در زمان حیات خود کاری را انجام داده‌ای که شخص در زمان مرگ به آن وصیت می‌کند.»

سند روایت اشکال ندارد و تمامی افراد آن ثقة هستند و دلالت آن هم شفاف است: چنانکه از جمله جواب شرط فهمیده می‌شود، تأمین آنچه خانواده او به آن احتیاج دارند، به نحو و جوب است؛ یعنی اگر همه احتیاجات آنان را در یک سال کفایت نمی‌کرد، او در امر رشد خود توفیق نیافته بود و مانند کسی نبود که در هنگام مرگ به آن وصیت می‌کند. بنابراین، امام علیه السلام در این روایت حاجت



یک ساله خانواده (از جمله همسر) را مخارج آنان تعیین کرده است. از این رو، گستره نفقه آن چیزی خواهد بود که همسر و فرزندان برای زندگی به آن احتیاج دارند و این امر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متغیر است.

حاصل آنکه: ملاک و معیار کلی درباره گستره و محدوده نفقه، آن چیزهایی به شمار می‌رود که برای زندگی متعارف مورد نیاز است و اگر آن‌ها تأمین شوند، برای برآوردن نیازهای متعارف و پسندیده زن کفایت خواهد کرد.

عرف تعیین‌کننده ماهیت نفقه است؛ چرا که هر گاه در شرع واژه‌ای تعریف نشده باشد و حقیقت شرعی هم برای آن وجود نداشته باشد، تعریف آن واژه به عرف واگذار می‌شود. بنابراین، شرع در تعیین محدوده نفقه به عرف تکیه کرده است و هر چه مردم در نفقه لازم می‌دانند، از نفقه به حساب می‌آید. اگر هم در بعضی روایات حدودی ذکر شده، منظور بیان چیزی است که در بین مردم معمول بوده است؛ زیرا شارع در بسیاری از موارد که درباره چیزی صحبت می‌کند؛ زیرا آن چیزی یکی از مصادیق یک کلی است، نه آنکه صفت شرعی آن چیز باشد.



## ۵. مقدار نفقه واجب زوجه

فقهای شیعه برای نفقه زوجه حدی معین نکرده‌اند، مگر شیخ طوسی که در کتاب خلاف (۱۴۰۷، ج ۳، ص ۸۵) نفقه زوجه را یک مد طعام، برابر با دو رطل و یک چهارم رطل می‌داند؛ در حالی که در مبسوط معتقد است هنگامی که زوج تنگ دست باشد، مقدار نفقه خوراک در هر روز، دو مد طعام است و اگر تنگ دست باشد، مقدار یک مد طعام، و در حالت متوسط، یک و نیم مد باید بپردازد (حلی، ۱۳۲۴، ص ۲۹)؛ ولی دیگر فقها حدی مشخص نکرده‌اند و آن را به عرف واگذار کرده‌اند.

ابن ادریس ادعای اجماع کرده و معتقد است هیچ فقیهی از امامیه حدی برای نفقه تعیین نکرده است؛ مگر شیخ طوسی و ابن ادریس استدلال کرده‌اند که اولاً اصل در مسئله، دلیل «وَعَاشِرُوهُنَّ يَأْتِيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» است و «بالمعروف»، یعنی آنچه بین مردم متعارف است و ثانیاً اصل برائت ذمه زوج از تعیین حد و مقدار نفقه است و مقدار نفقه به عرف و عادت بستگی داشته و مقداری است که صرفاً نیازمندی‌های زوجه را برآورده کند (همان).

به نظر می‌رسد که نفقه زوجه بر اساس شأن و جایگاه اجتماعی‌اش در خانه پدر تعیین می‌شود، اینکه خانواده پدری وی تنگدست، متوسط یا مرفه بوده‌اند، همچنین با توجه به متمول بودن یا نبودن زوج، این نفقه در نوسان است و ممکن است کامل یا ناقص باشد.

### ۶. ملاک تعیین نفقه واجب زوجه

پس از مشخص شدن گستره نفقه و مقدار آن، این پرسش مطرح می‌گردد که چگونه نفقه تعیین می‌شود؟ آیا باید شئون و توانایی مالی زوج در نظر گرفته شود یا لیاقت و شئون زوجه و عرف افراد همانند او؟

#### ۱-۶. نظر فقهای امامیه

در این مورد، اقوال گوناگونی در بین فقهای شیعه وجود دارد:  
قول اول: آنچه با توانایی مالی مرد تناسب دارد.

شماره‌ای از فقیهان بر این باورند که باید نفقه و هزینه زندگی زن سازگار با شأن وی و توان شوهر باشد، از جمله: سلار (۱۴۱۰، ج ۱۸، ص ۳۴۵)، ابن حمزه (۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۳۱۳)، شیخ ابی زکریا یحیی (۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۵۷۷)، فاضل هندی (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۸).

به نظر می‌رسد که شرط سازگاری شأن زن و توان شوهر در نفقه واجب در بعضی از موارد محقق نمی‌شود؛ زیرا ممکن است شأن اجتماعی زن بالا و توان اقتصادی شوهر پایین باشد که در این صورت تکلیف شوهر به دادن نفقه متناسب با شأن زن خدشه دار می‌شود.

#### ادله

۱. مهم‌ترین دلیل‌های این گروه عبارت است از:  
۱. امر به امساک به معروف و معاشرت به معروف.
۲. امر پیامبر ﷺ به هند که شوهرش ابوسفیان مردی بخیل بوده و نفقه او را نمی‌پرداخته است.
۳. آیه ۲۳۳ سوره بقره.
۴. روایت محمد بن سنان.
۵. روایت ابن ابی نصر.

از مجموعه این ادله چنین برداشت می‌شود که بر مرد لازم است تا نیازهای ضروری همسر خود را با عنوان نفقه برآورده کند. مقدار این نفقه سازگار با شأن زن و توان مرد است؛ چرا که معاشرت نیکو برای مردی که توان مالی دارد، این است که در نفقه همسرش گسترش دهد، چه شأن همسرش بلند باشد، چه پایین. در این صورت، اگر مردی از نظر مادی در سطح پایینی بود و همسری با شأن اجتماعی ممتاز داشت، باید بداند که لازمه اطاعت از امر الهی (معاشرت به معروف) این است که بکوشد تا نیاز همسر خود را هماهنگ با شأن او فراهم کند و وضع مالی خویش را توجیه بر تنگ گرفتن در معیشت او قرار ندهد. حال اگر برخلاف تلاش خویش، توان پرداخت نفقه سازگار با شأن همسر خود را نداشت، برابر با توان خود، هزینه زندگی را پرداخت کند.

قول دوم: آنچه متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن است.

بیشتر فقیهان هماهنگی هزینه زندگی زن را با شأن وی در نظر گرفته‌اند، از آن جمله: علامه حلی (بی تا، ج ۲، ص ۴۷)، فخرالمحققین (۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۶۹)، شهید اول (۱۴۰۶، ص ۱۷۷)، محقق سبزواری (۱۳۸۱، ص ۱۹۵)، محقق بحرانی (۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۲۴) و صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۰). این گروه با لفظ «عادة امثالها من اهل بلدها» میزان نفقه واجب را روشن کرده‌اند.

#### ادله

مهم‌ترین دلیل‌های این گروه عبارت است از:

۱. امر به معاشرت به معروف با زنان «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» که لازمه آن این است که مرد باید سازگار با شأن زن، هزینه زندگی او را بپردازد (شهید اول، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۴۶۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۴۶۹).
۲. اضافه «رزق» و «کسوة» به «هن» در «رزقهن» و «کسوتهن» یا اضافه «ستر عورت» و «سد جوع» به ضمیر «ها» در «ستر عورتها» و «سد جوعتها» بیان می‌دارد که در پرداخت نفقه «طعام و پوشاک» باید شأن زن در نظر گرفته شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۲).

قول سوم: آنچه در جامعه متعارف است.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: «نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد؛ بلکه ضابطه این است که شوهر به آنچه زن احتیاج دارد، از طعام، خورش و... قیام کند و در تمام موارد شایسته است عرف و عادت ملاحظه گردد» (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص ۳۱۵).

قول چهارم: آنچه متناسب با حال زوجین است.

از دیدگاه برخی علما برای آنکه نفقه، معروف محسوب شود، باید حال زوجین در نظر گرفته شود.

## ۲-۵. نظر فقهای عامه

در میان فقهای مذاهب عامه دو قول وجود دارد:

قول اول: نظر مذاهب حنفی و شافعی

یکی از اقوال فقهای حنفی (صاغرچی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۶) و همچنین نظر فقهای شافعی (بغاء،

۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷۴) این است که ملاک حال زوج است.

مهم‌ترین دلیل این گروه استدلال به آیه ۷ سوره طلاق، مخصوصاً فقره «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» است؛ آیه شریفه در مقام بیان حکم عامی است و ملزم نکردن زوج به پرداخت نفقه‌ای که فوق توان اوست، تحت همین حکم عام قرار می‌گیرد و از این رو، اگر زوجه‌ای ثروتمند باشد، نمی‌توان زوج فقیر را به پرداخت نفقه زوجه ثروتمند ملزم کرد.

اشکال: در تفسیر «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» احتمال دیگری نیز وجود دارد که شاید بتوان گفت در مقایسه با این تفسیر قوی‌تر باشد و آن این است که می‌توان این عبارت را حمل بر زمان حال کرد، به این صورت که ملاک وجوب نفقه و مقدار آن، وضعیت زن است؛ اما اگر به دلیلی زوج دچار تنگ دستی شود، به اندازه وسعش باید نفقه زن را بپردازد و بقیه به عنوان دین بر ذمه زوج باقی می‌ماند و در حال تمکن می‌پردازد. شاید به همین دلیل است که در ادامه می‌فرماید: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد» (حلی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۲۰).

قول دوم: نظر مذاهب حنبلی و مالکی

این دو مذهب معتقدند باید وضعیت طرفین عقد لحاظ شود، نه یکی از این دو.

در کتب فقهی حنابله آمده است: «اگر زوجه ثروتمند و زوج فقیر باشد یا بالعکس، ملاک تعیین

نفقه ما بین حالت فقر و ثروت است» (ابن بلبان، ۱۴۲۱، ص ۲۴۰).

در کتب فقهی مالکی نیز آمده است: «در تعیین نفقه حال زوج به تنهایی ملاک نیست؛ بلکه باید

وضعیت زوج و زوجه با هم لحاظ شود» (شققه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۵۰).

البته همان طور که قبلاً بیان شد از مذهب حنفی دو قول بیان شده که قول دوم آن‌ها موافق نظر مالکی و حنبلی است: «و للحنیفة قولان احدهما اعتبار آل الزوجین» (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۹۲). مهم‌ترین دلیل این گروه تمسک به آیه «و عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» است که منظور از «معروف» را رعایت حدّ وسط بین زوجین دانسته‌اند.

اشکال: عرف در موقعیت‌های مختلف، متغیر است و چه بسا در یک شهر میان طبقات گوناگون جامعه، مقتضیات عرف بسیار متفاوت باشد؛ پس نمی‌توان همیشه عرف را به معنای حدّ متوسط دانست.

### نتیجه‌گیری

اصل وجوب نفقه زوجه امری است که مذاهب خمس به اتفاق پذیرفته‌اند و برای اثبات آن به ادّله عقلی و نقلی تمسک نموده‌اند. با این حال، در برخی مباحث مربوط به نفقه اختلافاتی وجود دارد که از جمله آن‌ها گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه است. بسیاری از فقهای مذاهب «موضوع نفقه» را منحصر در خوراک، پوشاک و مسکن دانسته‌اند و عده‌ای وسائل نظافت و آرایش، هزینه‌های درمان، خادم و غیره را نیز بر آن افزوده‌اند. همچنین «مقدار نفقه» را موکول به عرف و عادت کرده‌اند، هر چند برخی از فقهای مذاهب، نفقه را به اندازه‌ای که شارع در کفّارات تعیین نموده و به اعتبار حال زوج، واجب می‌دانند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوعات یاد شده در ادّله شرعی به عنوان نمونه بارز نیازمندی‌های زوجه ذکر شده است و قرینه‌ای بر آنکه شارع در مقام تحدید موضوع نفقه باشد، وجود ندارد. همچنین دلیلی بر تعیین اندازه خاصّ در این موضوعات، در دست نیست. آنچه که مسلم است شارع مقدس، احکام را در امور تغییرپذیر بر عناوین عام و انعطاف‌بردار صادر می‌کند تا تداوم آن حکم را تضمین کند. از این رو، می‌توان گفت: در اندازه و مقدار نفقه، باید عرف زندگی‌ها با توجه به توان زوج و نیازهای زوجه ملاک قرار گیرد.

## فهرست منابع

### کتابها

\*قرآن کریم.

۱. ابن بلبان، محمد بن بدر الدین (۱۴۲۱)، *أخصر المختصرات في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل*، چاپ دوم، بیروت: دار البشائر الإسلامية.
۲. ابوزهره، محمد (۱۹۹۸)، *الإحوال الشخصية قسم الزواج*، قاهره: دارالفکر العربی.
۳. احمد بن یحیی بن مرتضی (۱۴۰۹)، *البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الإمبراطور، صنعاء: دارالحکمة الیمنیة*.
۴. ابن سعید، یحیی بن احمد (۱۴۰۵)، *الجامع للشرایع*، قم: مؤسسه سید الشهداء.
۵. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸)، *الوسیلة إلى نیل الفضیلة*، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۶. اصفهانی، سید ابوالحسن موسوی (۱۳۵۲)، *وسیلة النجاة*، قم: نیکنام.
۷. ابن حجاج، مسلم (۱۴۱۲)، *صحیح مسلم*، مصر: دارالحديث.
۸. ابو داود، سلیمان ابن اشعث (۱۴۲۵)، *سنن ابی داود*، بیروت: دارالفکر.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، ج ۱۴، بیروت: دار الإحياء العربی.
۱۰. ابن النجیم، زین الدین (۱۴۲۲)، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۳۹۲)، *المغنی ولیه الشرح الكبير*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۲. ابن براج طرابلسی، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶)، *المهذب*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۲۵)، *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، القاهره: دار الحديث.
۱۴. ابن زکریا، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقانیس اللغة*، ج ۵، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه محمد جواد، غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۶. ابن حزم، علی بن احمد (۱۳۹۰)، *المحلی بالآثار*، ج ۱۰، مصر: مکتبه الجمهوریة العربیة.
۱۷. ابن حجر الهیتمی، أحمد بن محمد (۱۳۵۷)، *تحفة المحتاج فی شرح المنهاج*، مصر: الناشر المکتبه التجاریة الكبرى.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، *توضیح المسائل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. بدران، ابوالعین بدران (۱۹۶۱)، *احکام الزواج والطلاق فی الإسلام*، مصر: دار التالیف.
۲۰. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، *صحیح بخاری*، مصر: نشر جمهوریه مصر العربیة.
۲۲. بغاء، مصطفی، الخن، الشریجی، علی (۱۴۲۱)، *الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعی*، چاپ چهارم، دمشق: دار القلم.
۲۳. ترمذی، ابو عیسی (۱۴۲۵)، *سنن ترمذی*، بیروت: دارالفکر.
۲۴. جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی (۱۴۲۶)، *احکام القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیة.



٢٥. جزيري، عبدالرحمن (١٤١٩)، *الفقه على المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت*، بيروت: دارالثلثين.
٢٦. حزاملي، محمد بن حسن (١٣٨٦)، *وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشرعية*، ج ٢١، تهران: مكتبة الإسلامية.
٢٧. حلي، محمد حسن يوسف (بي تا)، *تحرير الكلام*، ج ٢، قم: مؤسسه آل البيت.
٢٨. \_\_\_\_\_ (١٤١٩)، *قواعد الاحكام في معرفة الحلال والحرام*، ج ١٩، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
٢٩. \_\_\_\_\_ (١٣٨٢)، *مختلف الشيعة في احكام الشرعية*، قم: بوستان كتاب.
٣٠. \_\_\_\_\_ (١٣٨٧)، *إيضاح الفوائد في شرح إشكالات القواعد*، قم: المطبعة العلمية.
٣١. حلي، نجم الدين جعفر بن حسن (١٣٦٠)، *شرايع الإسلام في مسائل الحلال والحرام*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
٣٢. حصكفي، علاء الدين (١٤٢٣)، *الدر المختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار*، محقق: عبدالمنعم خليل إبراهيم، بي جا: دار الكتب العلمية.
٣٣. حميري، نشوان بن سعيد (١٤٢٠)، *شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم*، ج ١٠، بيروت: دار الفكر المعاصر.
٣٤. خروفي، علاء الدين (١٣٨١)، *شرح قانون الاحوال الشخصية*، بغداد: مطبعة العاني.
٣٥. دردير، ابي البركات احمد (١١١٩)، *الشرح الصغير على اقرب المسالك الى مذهب الامام مالك*، قاهره: دار المعارف.
٣٦. زحيلي، وهبه (١٤٠٩)، *الفقه الإسلامي وادلته*، دمشق: دار الفكر.
٣٧. زيدان، عبدالكريم (٢٠١٢)، *المفصل في احكام المرأة و البيت المسلم في الشريعة الإسلامية*، چاپ دوم، بيروت: مؤسسه الرساله للطباعة و النشر و التوزيع.
٣٨. سبزواري، محمد باقر (١٣٨١)، *كفاية الاحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٣٩. سباعي، مصطفى (بي تا)، *شرح قانون الاحوال الشخصية*، عمان: مكتبة الثقافية.
٤٠. سبحاني، جعفر (١٤٠١)، *نظام نكاح في الشريعة الإسلامية الغراء*، قم: مؤسسه الامام صادق عليه السلام.
٤١. سلار ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز (١٤١٠)، *المراسم في الفقه الإمامي*، بيروت: مؤسسه فقه الشيعة و الدار الإسلامية.
٤٢. سرخسى حنفي، ابوبكر (١٤١٤)، *المبسوط*، بيروت: دارالمعرفة.
٤٣. سيواسي، كمال الدين محمد (بي تا)، *شرح فتح القدير*، بيروت: دارالفكر.
٤٤. شقفه، محمد بشير (١٤٢٢)، *الفقه المالكي في ثوبه الجديد*، چاپ دوم، دمشق: دار القلم.
٤٥. شبلي، محمد مصطفى (١٣٩٣)، *احكام الاسرة في الإسلام*، بيروت: دارالنهضة العربية.
٤٦. صاغر جي، اسعد محمد سعيد (١٤٢٦)، *فقه الحنفى وادلته*، چاپ چهارم، دمشق: دارالكلم الطيب.
٤٧. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠١)، *تهذيب الأحكام*، ج ٧، تهران: انتشارات دار الكتب الإسلامية.
٤٨. \_\_\_\_\_ (١٤٠٧)، *خلاف*، ج ١، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤٩. \_\_\_\_\_ (١٣٨٧)، *المبسوط في فقه الإماميه*، چاپ سوم، ج ٦، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٥٠. \_\_\_\_\_ (بي تا)، *اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)*، بي جا: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
٥١. طبرسي، شيخ ابي علي الفضل الحسن (بي تا)، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تهران: مكتبة العلمية الإسلامية.

٥٢. طباطبائی حکیم، سید محسن (١٤١٠)، *منهاج الصالحین*، ج ٢، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
٥٣. عاملی، زین الدین بن علی (١٤١٣)، *مسالك الافهام إلى تنقيح شرايع الإسلام*، ج ٢، قم: المؤسسة المعارف الإسلامية.
٥٤. عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (١٤٠٦)، *المعة دمشقية*، بی جا: دار الناصر.
٥٥. \_\_\_\_\_ (١٣٧٣)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، چاپ هشتم، بی جا: مرکز نشر کتب الاعلام الإسلامی.
٥٦. عابدين، الطيب ابی اليسر (١٣٦٦)، *مختصر احكام الزواج*، چاپ ششم، بی جا: بی نا.
٥٧. عاملی، بهاء الدین محمد (١٣٩٣)، *جامع عباسی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥٨. عبد الرحمن، محمود (بی تا)، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*، ج ٣، بی جا: بی نا.
٥٩. فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦)، *شف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٦٠. فرشتیان، حسن (١٣٧١)، *نقته زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی*، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
٦١. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٠)، *العین*، ج ٥، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
٦٢. فیض، علی رضا (١٣٨٢)، *مبادئ و اصول*، چاپ پانزدهم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
٦٣. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحيح مسلم*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
٦٤. قدری باشا، محمد (١٤٣٥)، *الاحكام الشرعية فی الاحوال الشخصية علی مذهب ابی حنیفه النعمان*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
٦٥. قمی، میرزا ابوالقاسم (١٣٧١)، *جامع الشتات فی اجوبة السؤالات*، محقق: مرتضی رضوی، تهران: کیهان.
٦٦. کیائی، عبدالله (١٣٨٤)، *قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
٦٧. کاسانی، علاء الدین ابوبکر (١٤٠٢)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٦٨. مشکینی، میرزا علی (بی تا)، *مصطلحات الفقه*، بی جا: بی نا.
٦٩. مصحمانی، صبحی (١٩٥٩)، *المبادئ الشريعة والقانونية فی الحجر والنفقات والمواريث والوصية فی المذهب الحنفی والتشريع اللبنانی*، بیروت: دار العلم للملایین.
٧٠. مغنیه، محمد جواد (١٤٢١)، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، بیروت: دار التیار الجدید.
٧١. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٨٧)، *کتاب النکاح*، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
٧٢. مراغی، شیخ عبدالله (١٣٨٥)، *الزواج والطلاق فی جمیع الادیان*، بی جا: بی نا.
٧٣. موسوی خویی، ابوالقاسم (١٤١٠)، *منهاج الصالحین*، ج ٢، قم: مدینه العلم.
٧٤. موسوی خمینی، روح الله (١٤٢٠)، *تحریر الوسیله*، ج ٢، قم: دارالعلم.
٧٥. مروارید، علی اصغر (١٤١٠)، *سلسله الینابیع الفقهیه*، بیروت: دار الإسلامیة.
٧٦. مامقانی، عبدالله (١٣٥٢)، *تنقيح المقال*، نجف اشرف: مطبعة المرتضویه.
٧٧. نجاشی، احمد بن علی (١٤٢٤)، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
٧٨. نجفی، محمد حسن (١٤٠٤)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.